

## سبک زندگی شیخ الفقها

## آیت‌الله‌العظمی لطف‌الله صافی گلپایگانی رَحْمَةُ اللهِ عَلَيْهِ

در هر سبک زندگی، فرهنگ، طرز تفکر، هویت و نگرش‌های مختلفی وجود دارد که در آن افراد، الگوهای رفتاری مشخصی را دنبال می‌کنند.

شیخ الفقها، آیت‌الله‌العظمی صافی گلپایگانی<sup>رحمه الله</sup> از جمله شخصیت‌های کم‌نظیر تاریخ معاصر ماست که توحیدمحوری را سرلوحه شیوه زندگی و مبنای اساسی خویش

قرار دادند که به‌عنوان شخصیتی سبک‌ساز، می‌تواند الگوی بسیاری از رهپویان راه حقیقت قرار گیرد.

پژوهش پیش رو، استخراج الگوی سبک زندگی فرید دوران، آیت‌الله‌العظمی صافی گلپایگانی<sup>رحمه الله</sup> می‌باشد که از منظراتی می‌گذرد.

برای آنان قائل باشیم.

##### • تکریم‌استاد

دیگر ویژگی بارز اخلاقی ایشان، احترام خاصی بود که برای اساتیدشان قائل بودند؛ ولو اینکه از دنیا رفته بودند؛ اما هرگاه از آنان یاد می‌کردند، با تجلیل از آنان نام می‌بردند. در برابر علما و بزرگانی که آثارشان را خوانده بودند نیز، احترام می‌نهادند و می‌گفتند که آنان به گردن ما حق دارند و هرگاه نامی از آنان به میان می‌آمد، به بزرگی از آنان یاد می‌کردند. اگر در درسشان قصد داشتند، مطلبی یا بحثی علمی را از فقیه و بزرگی نقل و آن را نقد یا توجیه کنند، به‌گونه‌ای وارد می‌شدند که با احترام خاص، همراه بود تا ناخواسته، جسارتی به آن شخصیت بزرگوار وارد نیاید.

وقتی به منزل آیت‌الله‌العظمی بروجردی<sup>رحمه الله</sup> ـ استادشان ـ آمدند و خواستند وارد منزل بشوند، درب منزل را بوسیدند و یکی از اشخاص حاضر در آنجا، بلافاصله از این حرکت، عکس گرفت و اکنون نیز، تصویر آن موجود است. به طلاب هم گوشزد می‌گفتند که از عوامل پیشرفت طلبه حفظ حرمت اساتید است؛ چه استادی که دروس مهم را در خدمتشان خوانده‌اند و چه استادی که الفبا را به آن‌ها آموخته است؛ لذا ایشان کسانی را که حتی در دوران نوجوانی، اساتذشان بودند، یاد و برایشان طلب مغفرت می‌کردند و گاهی می‌گفتند: وقتی قرآن می‌خوانم، برای همه اساتید و ذوی‌الحقوق خود قرائت و ثوابش را نثار ارواح آنان تقدیم می‌کنم.

##### • ادب‌زیارت

یکی دیگر از بارزترین خصوصیات اخلاقی ایشان، علاقه و اظهار ارادت و توسل و تضرع شدید نسبت به ائمه معصومین<sup>علیهم‌السلام</sup> بود؛ لذا هرگاه به حرم مطهر آقا علی‌بن موسی‌الرضا<sup>علیه‌السلام</sup> مشرف می‌شدند، با اینکه برایشان دشوار بود، بر زمین می‌نشستند و عتبه متبرکه را می‌بوسیدند؛ آنگاه برومی‌خاستند و با اذن دخول وارد حرم مطهر می‌گردیدند. همچنین با اینکه نشستن بدون صندلی برایشان دشوار بود، در حرم مطهر امام رضا<sup>علیه‌السلام</sup> هیچ‌گاه روی صندلی نشستند.

هر وقت وارد گفتنداری می‌شدند و کفش خود را تحویل می‌دادند، عصایشان را هم به کفشداری می‌دادند تا بدون عصا وارد حرم مطهر بشوند. شاید به ذهن برسد که این امور جزئی اهمیت چندانی ندارد؛ ولی برای ایشان بسیار مهم بود.

##### • عشق به‌دعا و توسل

بسیاری از ادعیه را حفظ بودند؛ مثل دعای کمیل، دعای ندبه، ادعیه صحیفه سجادیه، دعای ابوحمزه ثمالی، دعای عهد و...؛ می‌گفتند: من از زمانی که دعای عهد را یاد گرفتم، هیچ صبحی نگذشت که این دعا را نخوانم و از همان دوران نوجوانی بر این دعا مداومت داشتم. این رویه تا اواخر عمر ایشان که توانایی داشتند، ادامه یافت. در روز جمعه هفته آخر که به خدمت ایشان رسیدم، بعد از نماز ظهر به ایشان عرض کردم که بهتر است، زیارت امام زمان<sup>علیه‌السلام</sup> را بخوانید. گفتند: من بعد از نماز صبح، این زیارت را خوانده‌ام؛ اما با این حال، دوباره این زیارت را خواندند:

«السلام عَلَیْکَ یا شَرِیکَ الْقُرْآنِ وَ یا خَلِیفَةَ الرَّحْمَنِ هَذَا یَوْمُ الْجُمُعَةِ وَ هُوَ یَوْمُکَ الْمَتَوَقَّعُ فِیه ظُهُوْرُکَ...»

و آنگاه این شعر را زمزمه می‌کردند:

تَرِیْلَکَ حَبِیْتُ مَا اَنْجَحْتُ رِکَابِی

وَ صَبَّغْتُکَ حَبِیْتُ کُنْتُ مِنَ الْبِلَادِ

ایشان حالات خاصی در قرائت زیارت «آل یس» و «عهد» داشتند و چنان بود که گویا حضرت را مشاهده می‌کنند. معتقد بودند که در تمام کارها باید رضایت حضرت را در نظر داشت و لذا در تمام سخنرانی‌ها و دیدارهایشان، نام مبارک حضرت را به زبان می‌آوردند



##### • جاذبه‌اخلاقی

اخلاق ایشان با همه به‌خصوص جوانان، نوجوانان و حتی کودکان، اقوام و انساب‌شان در خور توجه بود. نوادگان‌شان چنان به ایشان علاقه‌مند بودند که برخی از آنان، پس از رحلت آقا، از شدت اندوه روز و شب نمی‌شناختند. همیشه لیخنه به لب داشتند و کودکان را در آغوش گرفته و اظهار محبت و دعا برای آنها می‌کردند. اشخاص مختلف وقتی به دیدار ایشان می‌آمدند، در همان برخورد اول، جذب ایشان می‌شدند؛ حتی اگر شخصی یکبار در تمام طول عمرش ایشان را دیده بود، حتماً خاطره‌ای به‌یادماندنی از ایشان در اعماق ذهنش باقی می‌ماند. نگاهی پدرانه و پر از مهر و محبت و عطوفت به همگان داشت و به تمام معنا، اخلاقش، اخلاق اسلامی بود.

##### • عرفان حقیقی

در عرفان و خداشناسی و سیر و سلوک، هیچ خط و حرفی را معتبر نمی‌دانستند و برنامه‌های به‌اصطلاح عرفانی متصوفه را شدیداً تخطئه می‌کردند و خط و راه مستقیم بزرگان اصحاب مثل علامه مجلسی و شیخ طوسی و شیخ مفید<sup>رحمته‌م‌الله</sup> را یگانه خط نجات می‌دانستند و معتقد بودند که راه و رسم عبادت، دعا، تزکیه نفس، کمال معرفت و قرب الهی را باید از اهل بیت<sup>علیهم‌السلام</sup> گرفت. به‌جد با فرق ضالّه و بدعت‌های آنها مقابله می‌کردند. تا چند سال قبل که قرار بود، در یکی از شهرهای ایران کنگره بزرگداشتی برای بایزید بسطامی و مولوی گرفته شو، ایشان بسیار ناراحت شدند و جلوی برگزاری آن را گرفتند و گفتند: کسانی که در صدد هستند، برای این اشخاص بزرگداشت بگیرند، باید از امام زمان<sup>علیه‌السلام</sup> خجالت بکشند.

##### • رفتار محبت‌آمیز و مساوی با همه مردم

در مرادوثشان با مردم و گفت‌گوهایشان باشخصیت‌ها، فرقی بین شخصیت‌های سیاسی و افراد عادی، قائل نبودند و همه را با این دید می‌نگریستند که بندگان خدا هستند و به بندگان خدا، با هر ایده و مسلکی که داشتند، احترامی خاص می‌نمودند و البته از جهانی که اهل‌بیت<sup>علیهم‌السلام</sup> دستور داده‌اند، در برابر اشخاصی، با چهره درهم، حضور پیدا کنند؛ چنان‌که امیرالمؤمنین<sup>علیه‌السلام</sup> می‌فرمایند:

«أَمَرْنَا رَسُولَ اللَّهِ ﷺ أَنْ نَلْقَى أَهْلَ الْمَعَاصِي بِوُجْهِهِ مُكْفَرَةً».

ایشان نیز چنین برخورد می‌کردند؛ اما واقعاً هرکس با ایشان نشست و برخاست داشت، اخلاق اسلامی را در ایشان می‌دید و شیفته ایشان می‌شد و یکی از برجستگی‌های زندگی ایشان همین بود. مثلاً برادران پاسداری که در اوائل انقلاب، وظیفه محافظت از ایشان را در ظاهر داشتند، اذعان کردند که از بهترین روزهای زندگی‌شان ایامی بود که در خدمت آقا بودند. ایشان نیز آن برادران را همانند فرزندان خودشان دوست می‌داشتند و به آنان علاقه‌مند بودند؛ لذا فرقی میان خود با آنان قائل نمی‌شدند و حالت بالادستی و پایین‌دستی در وجود ایشان، دیده نمی‌شد.

##### • احترام به‌سادات

برای سادات احترام بسیاری قائل بودند و از این جهت در عصر ما نمونه بودند. هیچ‌گاه نمی‌گذاشتند، یکی از

مردم، منتشر و ترویج کرده بودند. ایشان با شنیدن این خبر، ناراحت شدند و گفتند: الآن مسئولیت پاسخ‌گویی را به چه کسی بدهم؟ خودم پاسخ می‌دهم. ایشان شبهات را در قالب کتاب «صراط مستقیم» پاسخ دادند و چندین مرتبه نیز تجدید چاپ گردید. این کتاب با کمال دقت و متانت، جواب‌گوی این شبهات است و بی‌آنکه از دایره اخلاق خارج گردد و افتزایی به دیگران وارد آورد، جوابی علمی، دقیق و محکم به این شبهات می‌دهد.

##### • مع‌الخطیب

کتاب «مع‌الخطیب» ایشان هم، در پاسخ به «الخطوط العریضة» در حدود ۶۵ سال قبل است و نویسنده کتاب یعنی «محب‌الدین» به‌شدت، تحت تأثیر پاسخ‌های ایشان واقع شد و این کتاب در تیراژ میلیونی، بارها در میان اهل‌سنت، منتشر شد تا نشان بدهند که چگونه از مبانی اهل‌بیت<sup>علیهم‌السلام</sup> دفاع گردیده است. اینها همه به‌سبب انس ایشان با کتاب و خستگی‌ناپذیری ایشان در مطالعه بود. ایشان در اواخر عمر، کتاب‌هایی را معرفی و بسیار به خواندن آن‌ها سفارش می‌کردند.

##### • ۸۰ سال پاسخ‌گویی به‌استفتانات

یکی از امتیازات ایشان که شاید بتوان گفت در زمان غیبت امام زمان<sup>علیه‌السلام</sup> برای هیچ‌کدام از فقها و علما پیش نیامده، اشتغال ایشان به پاسخ‌گویی استفتانات در حدود ۸۰ سال است. با طول عمر مبارکی که خداوند به ایشان مرحمت نمود، صاحب این امتیاز ویژه شدند. ایشان در ستین جوانی که ۱۸ سال در خدمت آیت‌الله‌العظمی بروجردی<sup>رحمه الله</sup> بودند، به پاسخ‌گویی استفتانات ایشان مشغول بودند.

یادم هست که آقا می‌فرمودند: در یک شبی مرحوم آیت‌الله بروجردی<sup>رحمه الله</sup> یک پاکت‌نامه‌ای حاوی ۳۳ سؤال برای پاسخ‌گویی به من دادند و من تا اذان صبح همه سؤال‌ها را پاسخ گفتم و صبح خدمت ایشان تقدیم کردم. ایشان بسیار خوشحال شدند و تشوین کردند و با همان لهجه شیرین گفتند: «می‌نماید که این‌طور بهتر است تا آن شورای استفتانات».

بعد از آن حدود ۳۳ سال در خدمت آیت‌الله‌العظمی گلپایگانی<sup>رحمه الله</sup> بودند و مسائل را پاسخ می‌گفتند تا حدی که اگر ایشان پاسخ‌های شورای استفتانات را تأیید نمی‌کردند، آن بزرگوار مهر نمی‌کردند و بعد از آن هم، حدود ۳۰ سال دوران مرجعیت خودشان که جمعاً قریب به ۸۰ سال، ایشان سؤالات مختلف در عرصه‌های گوناگون را پاسخ می‌دادند.

منبع: کتاب فرید دوران

